

## دستاوردهای تفکر اسلامی با رویکرد سیستمی در مدیریت

فریناز صناعی ، نادر شیخ الاسلامی کندلوسی

تاریخ پذیرش : ۹۷/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت : ۹۷/۰۵/۲۴

## چکیده

بررسی های اولیه در منابع اسلام، وجود گزاره های مهم، حساس و تصمیم سازی را در زمینه های مختلف زندگی فردی و جمعی نشان می دهد و به نظر می رسد که دین اسلام برای موضوعات مختلف در زندگی انسان ها برنامه و مدل های خاصی ارائه کرده است و این مدل ها به صورت شبکه واحد با یکدیگر در تعامل هستند و هر یک از گزاره های دین جایگاه خاصی در شبکه و سیستم طراحی شده دارند که فقط در صورت قرار گرفتن در موقعیت واقعی خود، اثر مورد نظر را تولید می کنند . برای دستیابی به موقعیت و خصوصیت هر یک از گزاره های دین در سیستم های حیاتی زندگی و کشف سیستم های پیشنهادی دین نیاز به دید سیستمی و عبور از ذهنیت جزئی و توصیه ای بودن گزاره های دین و دستیابی به ذهنیت برنامه ساز و نگرش سیستمی آن ها است. در جهان معاصر سازمانها رکن اصلی جوامع اند. شرایط مختلف زمانی و مکانی و نیازهای گوناگون انسانها باعث ظهور و گسترش روزافزون سازمانها و موسسات مختلف شدند. این سازمانها تقریباً در تمام شئون زندگی انسان تاثیر گذارند. بدیهی است سازمانها هنگامی می توانند در به انجام رساندن ماموریتها و رسیدن به اهداف خود موفق شوند که از مدیریتی توانمند و کار آمد برخوردار باشند؛ زیرا مدیریت مهم ترین عامل تداوم حیات و استمرار موفقیت سازمان است و نقشی بسیار مهم و حیاتی در رشد و بالندگی و پیشرفت سازمان بر عهده دارد. هدف این پژوهش بررسی نقش تفکر اسلامی با نگرش سیستمی در مدیریت است. بررسی ها نشان میدهد که نگرش اسلامی با الهام گرفتن از قرآن کریم، سنت پیامبر(ص) و سیره معصومین(ع) در مدیریت معنوی و فرا ذهنی بوده و به صورت تعاملی به ارتباط بین امور و پدیده ها توجه می نماید. این نگرش می تواند تفکر سیستمی را به عنوان یکی از کارآمدترین نگرشها در زمینه مدیریت سازمان ها معرفی نماید.

کلید واژگان : رویکرد سیستمی؛ مدیریت ، تفکر اسلامی.

daryanaz2000@gmail.com

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه آزاد اسلامی ، مدرس دانشگاه فرهنگیان.

nader.shk@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

## ۱. مقدمه

ظهور سازمانهای اجتماعی و گسترش روزافزون آنها یکی از خصیصه های بارز تمدن بشری است . وبه این ترتیب وبا توجه به عوامل گوناگون مکانی و زمانی و ویژگیها و نیازهای خاص هر جامعه هر روز بر تکامل و توسعه این سازمانها افزوده می شود . بدیهی است هر سازمان اجتماعی برای نیل به اهدافی طراحی شده و با توجه به ساختارش نیازمند نوعی مدیریت است . در عصر حاضر دانش بشر به طور عمده بر مبنای عقل جزءنگر شکل گرفته است و همین مساله قدرت درک بسیاری از مسائل را از او سلب کرده است. در این شرایط است که تفکر سیستمی می تواند راه جدیدی پیش روی ما بگشاید.

نگرش سیستمی چارچوب و روش و قانون و منطقی برای شناخت یک مسئله است که جنبه های تجزیه ای و تحلیلی و جنبه های ترکیبی آن مسئله را در برمی گیرد. دانشمندان علوم مختلف در طول تاریخ به تفکر سیستمی توجه کرده اند و لذا این تفکر به همه رشته های علمی تعلق دارد و خود به یک فرارشته تبدیل شده است. تفکر سیستمی نوعی نگاه به جهان هستی و پدیده های آن است. این شیوه تفکر، روش شناسی مؤثری را برای سیستم های اجتماعی، فرهنگی در محیط آکنده از آشفتگی و پیچیدگی ارائه می دهد. در نگرش سیستمی، صرفاً به اجزاء و جزئیات یک سیستم نگاه نمی شود بلکه چگونگی تعامل بین اجزاء و نیز برهم کنش اجزاء و محیط بررسی می شود نگرش سیستمی، در قالب کلیت و تمامیت سیستم دیده می شود و به این ترتیب از سطح به عمق و از جزء به کل گذر می شود.

آنچه انسان را از سایر موجودات متمایز می کند، توانایی تعقل، تفکر، انتخاب و اختیار اوست. آنچه زندگی انسان را دستخوش تغییر و تحول قرارداده همین قابلیت های اوست. طرز تفکر می تواند تمامی زندگی انسان را تحت تاثیر قرار دهد و یکی از این عوامل تاثیرگذار بر فرآیند مدیریت باشد. در عصر حاضر نگرش سیستمی یکی از کارآمدترین نگرش های حاکم بر اداره امور است.

با توجه به مطالب فوق الذکر به این جمع بندی میرسیم که هر سبکی با تفکر مدیریتی خاص فرهنگ حاکم بر جامعه باید کارساز باشد. فلذا با عنایت به تاکیدات مقام معظم رهبری و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای بومی سازی علوم انسانی از جمله مدیریت که سرشاخه آن، به عنوان رشته تاثیرگذار در عرصه های مختلف تحقیق و توسعه، بررسی تفکر اسلامی به رویکرد سیستمی در مدیریت ضروری به نظر میرسد.

## ۲. بحث

### ۲.۱. تفکر سیستمی و مدیریت

کسانی که روش تفکر سیستمی را انتخاب می کنند ملزم به مشاهده مبتنی بر درک هستند و بدیهی است که این کار مستلزم تلاش و کوشش بیشتری است.

تحلیل سیستم‌ها یا تحلیل سامانه‌ها یا آنالیز سیستم یک نگرش جامع به مسئله یا مشکل است. تحلیل سیستم یکی از ابعاد دوگانه نگرش سیستمی است و در آن به منظور شناسایی پدیده‌ها، ابتدا آن را به اجزاء کوچک‌تر تقسیم می‌کنند و پس از بررسی، تجزیه و تحلیل و رفع مشکل هر یک از اجزاء، مشکل سیستم کل را حل می‌کنند.

تفکر سیستمی، فرآیند شناخت مبتنی بر تحلیل (تجزیه) و ترکیب در جهت دستیابی به درک کامل و جامع یک موضوع در محیط پیرامون خویش است. این نوع تفکر درصدد فهم کل (سیستم) و اجزای آن، روابط بین اجزاء و کل و روابط بین کل با محیط آن است.

از آنجا که رفتار ما ریشه در نظام فکری ما دارد، کسی که دارای تفکر سیستمی است، با موضوعات نیز برخورد سیستمی می‌کند و در رفتارهای خود به دنبال تشخیص عناصر تشکیل‌دهنده موضوع و پیوندهای موجود میان این عناصر می‌گردد. به این ترتیب فردی که سیستمی فکر می‌کند تنها در جستجوی، مجموعه‌ای از ویژگیهای موضوع نمی‌گردد؛ بلکه تفکر سیستمی به او کمک می‌کند به مسائل به صورت جامع و نظام‌مند نگاه کند (۱).

اساس روش سیستمی مفهوم سیستم است. یعنی در این روش همه چیز را باید به صورت یک سیستم و یک کل در نظر گرفت نه جزء و با مدنظر قراردادن همه قسمت‌ها و تعاملات داخلی و خارجی آن کل، در مورد آن اقدام و تصمیم‌گیری نمود، نه فارغ از محیط. سیستم یعنی مجموعه‌ای متشکل از عوامل گوناگون که روی یکدیگر به صورت ارگانیکی اثر می‌گذارد و برای به انجام رساندن کار و یا دست یافتن به هدف خاصی سازمان یافته اند تفکر سیستمی به عنوان رویکردی جهت حل مسئله تعریف شده است که مسئله را به عنوان جزئی از یک مجموعه یا سیستم می‌داند نه به عنوان یک نتیجه یا اتفاقی که ممکن است به عواقب ناخواسته منجر شود

در رویکرد کل نگر و تفکر سیستمی مدیران اجرایی باید پدیده‌ها و محیط زندگی انسان‌ها را به عنوان واقعیتی جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و جامعه‌شناختی قلمداد کنند که در هر دوره‌ای از رشد و تحول خود، از هر کدام از عوامل مذکور تأثیر می‌پذیرند و همچنین بر هر کدام از آنها تأثیر خواهند گذاشت. در برنامه‌ریزی‌ها و برنامه‌های اجرایی داشتن نگاه و تفکر سیستمی به این معنا است که باید محیط زندگی انسان و عناصر مرتبط با آن به عنوان مجموعه‌ای از اجزای بهم پیوسته و دارای تعامل پویا با یکدیگر در نظر گرفته شود. یعنی مجموعه‌ای که در کلیت خود، به سوی هدفی خاص در حرکت است و در این حرکت هر جزء و هر بخش کارکردهای خاص خود را ایفا می‌کند.

در تفکر سیستمی ابتدا سیستم بزرگتری را که پدیده مورد نظر جزئی از آن است شناسایی می‌کنیم و سپس رفتار کل مجموعه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در نهایت رفتار پدیده مورد نظر در مفهوم نقش یا کارکرد آن در قالب سیستم بزرگتر معنی پیدا می‌کند.

تفکر سیستمی بر این پایه استوار است که سیستم، مجموعه‌ای از دو یا چند جزء است (۳) که حائز سه شرط است :

۱- رفتار هر جزء به رفتار هر کل بستگی دارد .

۲- رفتار اجزاء و تاثیر آنها بر کل، به هم وابسته است .

۳- هر یک از گروه‌های فرعی بر رفتار کل تاثیر دارند و تاثیر هیچکدام از آنها مستقل نیست(۴).

بنابراین سیستم، مجموعه عناصری است که نمی‌توان آن را به اجزاء مستقل از هم تفکیک کرد .هیچکدام از اجزاء انسان، انسان نیست، فقط برای دستیابی به موقعیت و خصوصیت هر یک از گزاره‌های دین در سیستم‌های حیاتی زندگی و کشف سیستم‌های پیشنهادی دین نیاز به دید سیستمی و عبور از ذهنیت جزئی و توصیه‌ای بودن گزاره‌های دین و دستیابی به ذهنیت برنامه‌ساز و استراتژیک بودن آن‌ها است .

این بحث، نگرشی از بیرون به دین به هدف دستیابی به شبکه کلان دین و ارائه تصویری سیستمی از دین و شفاف‌سازی نقش آن در عرصه تصمیم‌سازی و تدوین استراتژی جوانب مختلف زندگی است.

نگاه یکپارچه و تفکر سیستمی گویای این واقعیت است که توفیق در هر برنامه و طرحی در سیستم‌های پیچیده نظیر محیط زندگی انسان‌ها که دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، اجتماعی و... هستند؛ تنها از طریق همکاری متقابل میان زیر سیستم‌ها و فرا سیستم‌ها ممکن است و در هر مرحله از زمان باید نیازهای آتی زیر سیستم‌ها مورد توجه قرار گیرد.

سازمانهای ما برای تقویت جامع‌نگری در درون خود نیازمند تفکر سیستمی هستند، به دلیل اینکه تفکر سیستمی به مدیران کمک می‌کند تا ساختار، الگوها و وقایع را در پیوند با یکدیگر مورد بررسی قرار دهند و تنها به مشاهده وقایع اکتفا نکنند .این نوع تفکر به فرد کمک می‌کند تا به مسائل به صورت جامع و نظام مند نگاه کند(۵). تفکر سیستمی مشکل محدودیت نگرش به وظایف را مرتفع کرده و او را مجاب می‌کند تا سایر خرده سیستم‌هایی که تامین کننده ورودی‌ها یا استفاده کننده از خروجی‌های سازمان تحت مدیریت او هستند را شناسایی کند. علی‌رغم این‌که تفکر سیستمی دارای مزایای متعددی است، اما در بسیاری موارد، افراد نسبت به آن تمایلی ندارند. این مساله چند دلیل دارد :نخست اینکه انسانها به صورت طبیعی تمایلی به ساختار شکنی ندارند و بیشتر ترجیح می‌دهند که در ساختارهای ذهنی گذشته‌شان باقی بمانند .دوم این‌که جوهره اصلی تفکر سیستمی توجه به روابط و تعاملات است .در تفکر سیستمی استفاده از فکر و ذهن بیش از به کارگیری چشم به عنوان ابزار دیدن، ضرورت دارد. بدین معنا که از طریق چشم و دیدن، تنها یک شیء یا ماده ملاحظه می‌شود، در حالی‌که با ذهن و نگاه کردن، قدرت مشاهده و درک روابط امکان پذیر می‌شود، بنابراین کسانی که روش تفکر سیستمی را انتخاب می‌کنند، ملزم به مشاهده مبتنی بر درک هستند و بدیهی است که این کار مستلزم تلاش و کوشش بیشتری است(۲). باتوجه به گذشت شش دهه از حیات

تفکر سیستمی به عنوان رویکردی نظری-کاربردی جای آن دارد که زمینه بالنده‌سازی و اعتلای این تفکر اثربخش در اداره جامعه و سازمان موردعنایت بیشتر مدیران و تصمیم سازان قرار گیرد.

#### ۲،۱،۱. مبانی تفکر سیستمی

تفکر توحیدی (جهانبینی توحیدی) که مسلمانان از گذشته به آن اعتقاد داشتند و شامل برهان نظم و برهان علیت می شد ، دقیقاً همین معنای تفکر سیستمی در علم مدیریت را دارد. مبانی تفکر سیستمی عبارتند از:

۱- تصور ارگانیک: به این معنا که در یک سیستم اجزا در تعامل با یکدیگر دیده می شوند و اگر در یک زیرسیستم مشکلی به وجود آید ، بر روی کل سیستم اثر گذار است و همچنین سیستم ها به صورت یک ارگانیکم زنده مدنظر قرار می گیرند.

۲- کل نگر: به این معنا که به سیستم ها به صورت یک کل نگاه کردن.

۳- مدلسازی: به این معنا که برای شناخت کامل و جامع ، پدیده ها در ابعاد کوچک و ملموس به تصویر کشیده می شوند.

۴- بهبود شناخت: به این معنا که با تفکر سیستمی می توان به بالاترین درجه شناخت که همان معرفت به پدیده هاست دست یافت. با تفکر سیستمی جهان بینی ما نسبت به شناخت سنتی و تک بعدی متحول می گردد.

#### ۲،۱،۲. ویژگی های تفکر سیستمی

۱- کمک به مدیر در برخورد با یک مسئله و تقسیم آن به مسائل کوچک تر برای حل مسائل در محدوده ی کوچک تر و استفاده از یک قالب کلی راه -حل ها برای حل مسئله اصلی

۲- در نگرش سیستمی داشتن اهداف مناسب یک ضرورت است .

۳- در نگرش سیستمی بر همکاری عناصر سیستم با یکدیگر و نیز تعامل این عناصر تأکید شده است .

۴- بین سازمان و محیط تعامل وجود دارد .

۵- در نگرش سیستمی بر اطلاعات بازخور توجه زیاد شده است .

#### ۲،۱،۳. اصول تفکر سیستمی

تفکر سیستمی، نگرش انسان را نسبت به موضوعات تغییر می دهد. این تغییر نگرش و زاویه دید باعث می شود که نتایج متفاوت تری را به دست آوریم. تفکر سیستمی یعنی دیدن موضوعات در قالب یک سیستم. به طور خلاصه سیستم به مجموعه ای از جزءهایی گفته می شود که با تعامل یکدیگر یک کل را بوجود می آورند و کل بدون هر جزء ناقص است. هر سیستم شامل ورودی، خروجی، پردازش و بازخورد می باشد (۷).

### ۲،۱،۳،۱. تفکر ترکیبی

طبق تفکر سیستمی، ویژگیهای مهم یک سیستم از تعامل بین اجزاء آن بوجود می‌آید نه از فعالیت جداگانه آنها. بنابراین وقتی سیستم را تجزیه می‌کنیم، ویژگیهای مهم خود را از دست می‌دهد. بنابراین سیستم، یک کل است که با تحلیل قابل درک نیست. با توجه به نکته فوق، روشی غیر از تحلیل برای درک رفتار و ویژگیهای سیستم ضروری است. ترکیب نقص فوق را جبران نموده و برای تفکر سیستمی، یک موضوع کلیدی است. در واقع، تحلیل و ترکیب، مکمل هم هستند (۶).

### ۲،۱،۳،۲. گام تفکر ترکیبی

- وقتی می‌خواهید موضوعی را بررسی کنید، ابتدا سیستم کلی که دربرگیرنده موضوع فوق است، را مشخص نمایید. به عبارت دیگر، یک کلیت را شناسایی کنید که موضوع فوق، بخشی از آن است.

- رفتار و ویژگی‌های سیستم کلی را بررسی نمایید.

- رفتار یا ویژگی‌های موضوع مورد مطالعه را با توجه به نقشه‌ها یا کارکردهای آن در سیستم کلی توضیح دهید (۸).

در تفکر سیستمی، توصیه می‌شود که ترکیب قبل از تحلیل انجام گیرد. در تفکر تحلیلی، چیزی که می‌خواهیم بررسی کنیم، بعنوان یک کل تجزیه می‌شود. ولی در ترکیب، چیزی که می‌خواهیم بررسی کنیم، بعنوان یک جزء از کلی که آنرا دربرگرفته، بررسی می‌گردد. اولی، حوزه مورد توجه محقق را تقلیل و دومی آنرا گسترش می‌دهد.

تحلیل روی ساختار موضوع متمرکز می‌شود. تعیین می‌کند سیستمها چگونه کار می‌کنند. ترکیب بر کارکرد متمرکز می‌شود. بنابراین تحلیل، دانش ایجاد می‌کند و ترکیب، درک را افزایش می‌دهد (درک از کل به جزء جریان دارد و دانش از جزء به کل). تحلیل به درون چیزها می‌نگرد ولی ترکیب از بیرون به آنها نگاه می‌کند.

در تفکر سیستمی اعتقاد بر این است که با بسط سیستم مورد بررسی، درک ما از آن افزایش می‌یابد. در عصر ماشین، به تعامل بین اجزاء درون سیستم توجه می‌شد. ولی تفکر سیستمی، علاوه بر آن، به تعامل سیستم با محیط نیز توجه دارد و نیز به تعامل کارکردی بین اجزاء سیستم توجه می‌نماید (۹).

تفکر مکانیکی به مواد تشکیل دهنده سیستم توجه دارد. ولی در روش سیستمها، توجه بیشتر به این نکته است که سیستم چه می‌کند تا اینکه از چه ساخته شده است. یعنی ابتدا مأموریت و چگونگی ارتباط و کنترل سیستم و ضوابط رفتاری آنرا شناسایی می‌کند. (۱۰).

### ۲،۱،۴. موانع تفکر سیستمی در مدیریت

تفکر سیستمی نوعی نگاه به جهان هستی است از چشم اندازی وسیع تر، که تنها به مشاهده اجزاء و پدیده‌ها اکتفا نمی‌کند و درصدد تشخیص علل والگوهاست. امروزه تفکر سیستمی، تفکری جامع و فرارشته‌ای است. با این که فوائد تفکر سیستمی بر کسی پوشیده نیست، اما در عمل، به کار بستن تفکر سیستمی با موانعی روبروست. ریشه این موانع و عوامل را باید در نگرش و رفتار انسانها جستجو کرد.

## ۲،۱،۴،۱. جزءنگری

جزءنگری در مقابل کل‌نگری قرار می‌گیرد. تفکر سیستمی مبتنی بر کل‌نگری است. در حوزه‌هایی از علوم ضروری نیز باشد. نکته در این است که تکیه صرف بر جزءنگری، امکان فهم الگوهای حاکم بر پدیده و سیستم را از بین می‌برد. در سازمان‌ها نیز وضعیت چنین است. پرداختن به اجزاء و واحدها باعث می‌شود تا افراد و گروه‌ها به صورت جزیره‌ای فکر و عمل کنند و این کار گرچه ممکن است بهبود عملکرد برخی واحدها را نشان دهد اما به عملکرد کلی سازمان لطمه می‌زند (۸). جزءنگری باید با کل‌نگری همراه باشد. از مضرات تفکر جزءنگر آن است که وقتی به یک مسئله نگاه می‌کنیم ذهن به سوئی می‌رود که بهترین راه‌حل را در همان محل جستجو کند، در حالی که به تعبیر راسل ایکاف: مسئله‌ها را باید بدون در نظر گرفتن مکان بروز آنها از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داد. به عنوان نمونه، بهترین راه حل یک مسئله تولیدی در سازمان ممکن است از طریق یک تغییر در بازاریابی، یا به عکس، باشد (۶).

## ۲،۱،۴،۲. تمرکز بر وقایع

ما زندگی را به صورت مجموعه‌ای از رخدادها و وقایع می‌دانیم و برای هر اتفاق نیز یک دلیل روشن ارائه می‌کنیم. تمرکز بر روی وقایع، ما را از یافتن الگوی تغییرات درازمدت که در پشت رخدادها نهفته است محروم می‌سازد. عادت تمرکز بر وقایع و بویژه وقایع ناگهانی باعث می‌شود که انسان از درک تغییرات تدریجی عاجز بماند، در حالی که روند حرکت نظام هستی در ساحت‌های مختلف، تدریج و تکامل است. تمرکز بر وقایع، از موانع توجه به تفکر سیستمی و توسعه آن است. این مسئله منجر به توضیح واقعه می‌شود اما انسان را از دریافتن الگوی تغییرات درازمدت که در پشت اتفاق مزبور وجود دارد بازمی‌دارد، در حالی که تحول، چه مثبت و چه منفی، یک شبه اتفاق نمی‌افتد. تمرکز بر رخدادهای منفرد و به‌ظاهر ناگهانی، سطحی‌نگری و ظاهر‌بینی را در افراد و سازمان‌ها و جامعه دامن می‌زند. بنابراین در حالت خاصی قرار می‌گیریم که از «اینجا» و «آنجا» یا از «اکنون» «در مقابل» «بعد» سخن می‌گوئیم، یا اجزائی را از جریان زندگی به اختیار گزینش می‌کنیم که از آنها به عنوان «رخداد» یا «اتفاق» یاد می‌کنیم. یک نتیجه جدی این فرآیند ذهنی، ایجاد درک اشتباه از روابط علت و معلولی است. این سوء تفاهم، مشکلات و فجایع بی‌پایان انسانی را به بار می‌آورد

## ۲،۱،۴،۳. فراقکنی

یکی از موانع تفکر سیستمی نوعی منفی‌نگری و سرزنش کردن شرایط محیطی است. تفکر سیستمی به ما می‌آموزد که چیزی در بیرون از سیستم که مسبب بروز مشکلات باشد وجود ندارد. باید دانست که تمامی اسباب و علل مسائل در درون سیستم نهفته است و جزئی از آن به‌شمار می‌رود. چه در سازمان و چه در اجتماع، اگر هر کس خود را فقط در شغل یا موقعیت خود معنا کند آنگاه قادر به درک اثر اعمال خود بر روی موقعیت دیگران نخواهد بود (۱۱).

#### ۲،۱،۴،۴. دام تفکر دوگانه

نگرش (صفر و یک) و تفکر (یا این یا آن) به ایستائی تفکر می‌انجامد. سیاه یا سفید دیدن پدیده‌ها مانع تفکر سیستمی است. این نوع تحلیل، نوعی ساده‌اندیشی است و با پیچیدگی‌های جهان کنونی منطبق نیست. کسانی که چنین عمل می‌کنند، بدون این که بخواهند، خلاقیت را نابود می‌کنند. غالباً فکر می‌کنند کار مطلوبی انجام می‌دهند اما به دام تفکر دوگانه‌ای که برای خود ساخته‌اند آگاه نیستند.

برخورد ساده‌انگارانه با دوگانگی، خلاقیت و نوآوری را از بین می‌برد. ایستا شدن تفکر موجب پدید آمدن چارچوب‌های خودساخته می‌شود. این قالب‌های دوگانه باید شکسته شود. باید تفکری فراتر از دوگانگی داشت و «هم این و هم آن» را در نظر گرفت.

یک رخداد می‌تواند در یک زمان تاثیری مشخص در یک جنبه داشته باشد و در زمان دیگری تاثیری متفاوت بگذارد. هر رخداد، بسته به زاویه دید مشاهده‌گر، ممکن است معنا یا معانی متعدد داشته باشد. ممکن است حالتی وجود داشته باشد که متفاوت با همه حالات شناخته شده قبلی باشد (۶).

#### ۲،۱،۴،۵. تفکر قالبی

گفته شده است که کودکان پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در درک تفکر سیستمی دارند. بزرگسالان از طریق سیستم‌های رسمی آموزش، با تفکر خطی و قالبی خوگرفته‌اند و رهایی از این روش تفکر برای آنان دشوار است. پیش‌فرض‌ها و تصورات قبلی، ذهن ما را تحت کنترل دارند. تشخیص این قیود خودنهادده هم مشکل است. به همین دلیل است که معمولاً زمانی که یک راه حل معما به ما نشان داده می‌شود تعجب می‌کنیم. به عبارت دیگر، ما در حل مسائل مرز سیستم مورد نظر را به درستی تعیین نمی‌کنیم (۴).

#### ۲،۱،۴،۶. توجه به علائم به جای علل

ریشه بسیاری از ناتوانائی‌های ما در شرایط پیچیده، گم کردن حلقه علیت و دیدن فقط قسمتی از آن است. سیستم‌های پیچیده انسانی دو مشخصه بسیار مهم دارند: علائم و علل. منظور از علائم، نشانه‌ها و شاخص‌هایی است که نشان‌دهنده مسئله و مشکلی در سیستم است. علل و اسباب، آن زیرساختی در سیستم است که بیشترین سهم و مسئولیت را در پذیرش نشانه‌ها و علائم، یا به عبارت دیگر مشکل سیستم، برعهده دارد و اگر شناخته شود می‌توان از طریق آن تغییرات، بنیادی و پیشرفت واقعی در سیستم بوجود آورد.

بسیاری از ما تصور می‌کنیم که علت بوجود آمدن یک مسئله الزاماً با نشانه‌های آن در کنار یکدیگرند و با مشاهده این عوامل می‌توانیم علل را بیابیم. نگرش سیستمی به ما می‌گوید برای فهمیدن مشکلات اساسی لازم است به مسائلی فراتر از اشتباهات فردی و یا اقبال نامساعد بپردازیم. باید از وقایع و شخصیت‌ها بالاتر رفت. باید به عمق ساختاری پی برد که اعمال افراد و شرایط را به گونه‌ای شکل می‌دهد که رویدادی اتفاق می‌افتد (۱۲).

## ۲،۱،۴،۷. تفکر تحلیلی

اصول تفکر در عصر ماشین، آنگونه که «رنه دکارت» تشریح کرده، عمدتاً بر این پایه بود که هر مشکل یا موضوعی را تا حد امکان باید به اجزاء کوچکتر تجزیه کرد. این روش تفکر، «روش تحلیلی» است، که تنها یک نوع روش تفکر محسوب می‌شود. تفکر فقط تحلیل نیست. در تفکر سیستمی از روش «ترکیبی» استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، تفکر سیستمی چرخه‌ای از تجزیه و ترکیب است.

استفاده و اتکاء صرف به روش و تفکر تحلیلی مانع بزرگ تفکر ترکیبی و سیستمی است. جنبه منفی تفکر تحلیلی آن است که وقتی سیستم را تجزیه می‌کنیم ویژگی‌های مهم خود را از دست می‌دهد. سیستم، یک کل است که با تحلیل قابل درک نیست. بهتر است ترکیب قبل از تحلیل انجام شود. در تفکر تحلیلی، چیزی که می‌خواهیم بررسی کنیم به عنوان یک کل تجزیه می‌شود ولی در ترکیب، چیزی که می‌خواهیم بررسی کنیم به عنوان یک جزء از کلی که آن را دربرگرفته بررسی می‌شود (۳).

## ۲،۱،۴،۸. توجه به کمیت

توجه صرف به عدد و رقم از موانع تفکر سیستمی است. توجه به اندازه یا تعداد، مقوله‌ای است که به تعبیر «راسل ایکاف»، به «رشد» مرتبط است نه «توسعه» در حالی که تفکر سیستمی یک تفکر توسعه‌گرا است. او بین توسعه و تفکر سیستمی رابطه‌ای معنادار می‌جوید که در نهایت به بهبود کیفیت زندگی و چگونگی استفاده انسان از توانائی‌ها و دارائی‌ها و افزایش شایستگی‌های خود می‌انجامد. رشد، افزایش در تعداد یا اندازه است اما توسعه، افزایش در شایستگی است (۸).

## ۲،۱،۵. مزایای تفکر سیستمی در مدیریت

وجود تفکر سیستماتیک در سازمان، آثار و مزایای فراوانی در مدیریت و یکپارچگی سازمان و رشد و بلوغ آن در پی دارد از جمله مواردی که می‌توانیم در این زمینه اشاره کنیم:

۱. انتخاب هدف مشخص برای سازمان و ایجاد تعامل سازنده میان بخشهای سازمان
۲. مدیریت یکپارچه و هدفمند، رهبری مشخص و هدفگذاری معین برای اجزا
۳. تقسیم کار تخصصی و پیشرفته میان بخش‌ها و واحدهای سازمان و تفویض اختیار منظم و از پیش تعیین شده
۴. عبور از بحران‌های سازمان از جمله بحران رهبری - بحران استقلال - بحران کنترل - بحران بوروکراسی
۵. کمک به سازمان برای حفظ دائمی و بقا و استفاده از آنتروپی منفی جهت حفظ بخشهای سازمان
۶. استفاده از اصل تضاد سیستم و استفاده از همه نوع انسان با هر شخصیت و رویکرد و توانمندی در جهت ایجاد تعامل در سازمان در راستای هدف مشترک
۷. تفاوت رویکرد مدیر در نگاه به سازمان با عامه مردم و درک کلی از سیستم

۸. رهایی از تفکرات سنتی در سازمان و اتکا به پدیده های غیرقابل لمس و غیر قابل کشف و خرافات  
۹. ایجاد سینرژی و هم افزایی در سازمان با استفاده از ترکیب مضاعف و تضاد هندسی مجموع انرژی های اعضای سازمان

۱۰. کمک به رشد و بلوغ سازمان و آماده کردن سازمان برای تقسیم و تکثیر

۲،۱،۶. جایگاه نگرش سیستمی در مدیریت سازمان ها در جوامع اسلامی

ویژگیهای سیستمهای باز و مقایسه با اسلام

۱. هدف داشتن سیستم های باز: همه سیستم ها دارای هدفی هستند که فلسفه وجودی آنهاست.

سوره دخان آیه ۳۸ " آسمان ها و زمین و آنچه بین آنهاست را بازپچه خلق نکردیم "

۲. همپایانی: منظور این است که راههای رسیدن به هدف می تواند متعدد باشد اما همه به یک هدف ختم می شوند از خدائیم و به سوی خدا می رویم. به عبارتی همه موجودات سرانجام به یک نقطه رجوع خواهند کرد و وجود خدا هدف است(بقره / ۱۵۶)

۳. همبستگی بین اجزاء و تاثیر گذاری اجزاء بر روی یکدیگر: یعنی تعامل بین اجزاء و ارتباط بین آنها پذیرفته شده است. در یک سیستم اگر یک عضو ناقص شود یا به خوبی عمل نکند مابقی اجزاء متاثر می گردند و به خوبی عمل نمی کنند.

(چو عضوی به درد آورد روزگار ، دگر عضو ها را نماند قرار ) مصداق همین ادعا است.

قرآن هم به خوبی این مهم را متجلی ساخته است . خداوند سرنوشت ملتی را تغییر نخواهد داد مگر آنکه افراد خودشان تغییر کنند(سوره رعد آیه ۱۰)

۴. آنتروپی مثبت: همه سیستم ها به طور طبیعی تمایل به بی نظمی دارند و این بی نظمی سبب مرگ سیستم می شود به عبارتی همه سیستم ها روزی از بین خواهند رفت و چرخه عمر سازمان ، محصول یا انسان به مرحله مرگ و افول وارد خواهد شد. روایت هو الباقی که برگرفته از سوره الرحمن آیه ۲۶ می باشد مصداق همین ویژگی است.

نگرش سیستمی ، ما را از قید و بند های متعدد رها میکند تا بتوان براندیشه سیستم بسته را رد کرد. این نوع نگرش برای نظریه پردازان مدیریت یک حوزه تفکر غالب ارائه میکند تا آنها بتوانند تمام دانش های مختلف متعلق به رشته های علمی مرتبط را در الگوریتم های سیستم های خود بگنجانند. با نگرش سیستمی وظایف مدیر عبارت است از این که سازمان را به عنوان سیستم تعریف کند، اهداف آنرا مشخص کند، اجزای اصلی آنرا ایجاد کند و همه اجزاء را از طریق فراگردهای ارتباط و تصمیم گیری یکتا سازد(۱۳). کاربرد نظریه عمومی سیستم ها در تحلیل فراگرد، تجسم و طراحی اهداف، ساختار کارها، سازوکارهای کنترل، محیط ، وابستگی و تعامل اجزاء، خرده سیستم ها، ورودی ها، فراگرد تبدیل و

خروجی اهمیت بیشتری میابد. در واقع فقط از طریق شناخت آگاهانه سازمان به منزله یک سیستم است که مدیر میتواند پیچیدگی سازمانی را که باید اداره کند مسلط گردد.

#### ۲،۱،۷. نگرش اسلامی عامل موثر در رشد و بهبود تفکر سیستمی

با توجه به اینکه تفکر سیستمی، دارای منابع قابل اعتماد کمتر (تعقل، حس و مشاهده) است، در حالی که این نگرش از دید علمی و تجربی به مطالعه امور می پردازد. روش شناخت جهان از نظر علمی به خاطر نداشتن علم انسان نسبت به جهان روشی نارسا است، برای جبران این کمبود باید از منابع باارزش تفکر اسلامی بهره برد.

همچنین با توجه به این که مبدا تفکر سیستمی حس، تجربه و آزمایش است و فقط ارزش علمی دارد، توجه به مبدا تفکر اسلامی، که همان وحی است و ارزش علمی عقلی و عینی دارد، شایسته می نماید. برای بهبود تفکر سیستمی باید از تفکر اسلامی که منشعب از وحی و آمیخته با دلایل علمی، عقلی و عینی است استفاده بهینه کرد. برای رفع این محدودیت تفکر سیستمی که فقط به مسایل مادی و دنیوی توجه دارد، بایستی به دین اسلام و تفکر اسلامی رجعت نمود که جامعیت دنیوی و اخروی داشته و منحصر به دنیا و مادیات نیست.

تفکر اسلامی یک جهان بینی توحیدی است و به جهان بعد از این جهان نیز معتقد است، می تواند چشم انداز تفکر سیستمی که دامنه اش فقط در این جهان است را گسترش دهد و به افراد جهت مشاهده دنیا کمک میکند که چشم انداز وسیع تری به دست آورند. تفکر اسلامی می تواند در جهت تکمیل اهداف سیستم به تفکر سیستمی یاری رساند. جهت رفع محدودیت تفکر سیستمی، باید به تفکر اسلامی مراجعه کرد. تا با ترکیب تفکر سیستمی و اسلامی جنبه عینیت آن گسترش یابد. تفکر اسلامی یک جهان بینی توحیدی است و به جهان بعد از این جهان نیز معتقد است، میتواند چشم انداز تفکر سیستمی که دامنه اش فقط در این جهان است را گسترش دهد و چشم انداز وسیع تری را دربر داشته باشد. تفکر سیستمی بیشتر به روابط بین پدیده ها می پردازد و به خود پدیده ها و نتایج توجهی ندارد، در حالی که تفکر اسلامی هم نگاه کل گرا به جهان داشته و هم نگاه جز گرا و بدین گونه هم به ارتباط بین اجزاء با کل توجه دارد و هم ارتباط اجزا با یکدیگر. از آنجایی که تفکر سیستمی فقط در حزه شناخت های نظری است، برای رفع چنین مشکلی تفکر اسلامی در مدیریت پیشنهاد میشود که هم به جهان بینی و هم به ایدئولوژی توجه دارد. لذا تفکر اسلامی با نشأت گرفتن از علم لایزال الهی، انسان ها را آن مشکلات خارج می سازد. تفکر سیستمی روشی برای مدیریت ارائه نمیکند، چرا که بیش از اینکه به جنبه عملی امور و پدیده ها بپردازد به جنبه نظری آنها توجه می کند و ذهنی و انتزاعی است. تفکر اسلامی از آنجا که هم به جنبه نظری و هم به جنبه عملی آنها توجه دارد، روشهای خاصی را برای مدیریت ارائه می دهد. دیدگاه تفکر اسلامی جهان را یک کل منسجم، هدفدار و منظم می بیند که در جهت تعالی انسان است. نگرش اسلامی مکتبی ایدئولوژیکی است و هیچگاه دچار لغزش نشده و نخواهد شد. نگرش سیستمی، جهان را به مانند یک سیستم در نظر میگیرد که دارای هدف و سایر اجزای آن است، که بیشتر

از دید علمی به جهان نگاه می کند. ولی در تفکر اسلامی نگاه کل بینانه به جهان دارند و بر تاثیر عوامل بر یکدیگر معتقد است. ولی حوزه دید تفکر سیستمی محدود به مادیات است (۱۴).

## ۲,۲. تفکر اسلامی و مدیریت

دین در قاموس و فرهنگ الهی عبارت است از مجموعه قوانینی که از سوی خدا توسط انبیای الهی برای هدایت بشر ارسال می شود. قرآن کریم کاملترین قوانین را برای بشر هدیه کرده است.

می توان تفکیک ناپذیری دین و مدیریت را مبرهن دانست. به طوریکه در اسلام دین و مدیریت را لازم و ملزوم یکدیگر می دانند. این پیوستگی به چند دلیل قابل بررسی است:

۱. ارتباط ذاتی: گفتیم دین عبارت است از مجموعه قوانین در دستوراتی که توسط پیامبران الهی جهت اداره افراد و اجتماع بیان شده در مدیریت و سیاست اسلامی نیز گفته می شود که هدایت جامعه بر مبنای قوانین الهی است. در اندیشه اسلام هر مدیری لازم است در چابوب برنامه مشخص حرکت کند پس مدیریت از دینداری جدانیست.

۲. محتوا و پیام وحی: قرآن و رهبران معصوم ضمن شرح مبانی اندیشه های مدیریتی و حکومتی، اعتقاد و عمل به این مبانی را تاکید کرده اند. به طوریکه در تفکر اسلامی، تفکیک اندیشه و عمل ممکن نیست

۳. سیره عملی و پیامبر و امامان معصوم (ع): به گواه تاریخ، پیامبر اسلام (ص) نخستین پایه گذار حکومت و مدیریت اسلامی است و به اداره امت پرداخت و سران سایر کشورها را به دین اسلام دعوت نمود که همه این اقدامات دال بر تفکیک ناپذیری دین از مدیریت است. همچنین طه حسین مصری در مورد امیر المومنین (ع) می گوید، علی در مراقبت بر کارگزاران خویش هوشیار بوده و برای هر کدام آنها روش کاری می نوشت وقتی مردم آن پیمان را می شنیدند می پذیرفتند. روش های کار برگرفته از دین بود

نگرش اسلام در مورد پایان تاریخ برقراری تمدن یکپارچه جهانی بر اساس آموزه های الهی است. هویت تمدن، زندگی جمعی در سیستم های به هم پیوسته است پس برای تمدن سازی نیاز به سیستم سازی است. هرگونه اندیشه تمدن ساز برای تحقق تمدن مورد نظرش چاره ای جز طراحی و اجرای نظامها و سیستم هایی که ابعاد مختلف زندگی را به جریان می اندازد ندارد. دین، مجموعه ای از عناصر و گزاره های به هم پیوسته و نظام مند است.

این عناصر و اجزا تابع اهداف دین هستند و هدف گرایی دین به این عناصر شکل می دهد و ساختار ارتباطی آنها با یکدیگر را تعیین می کند

هر جامعه ای به مدیریت نیاز دارد، این مدیریت می تواند از سطح اداره جامعه و رهبری آن تا سطح سازمانهای دولتی و خصوصی بزرگ و کوچک در نوسان باشد. مدیریتی که در جامعه اسلامی به کار گرفته می شود می تواند با مدیریتی که در جوامع غیراسلامی به کار گرفته می شود، این مدیریت در عین حال می تواند با مبانی فرهنگی - اعتقادی، دینی

ارزشی، تاریخی و... آمیختگی و پوستگی داشته باشد. مدیریت با پسوند اسلامی، دارای مفهومی واقعی بوده و از جایگاه والایی نیز برخوردار است (۱۵).

رویکرد اسلامی مدیریت در جامعه اسلامی با اخلاق، رفتار و ارزشهای اسلامی آمیخته بوده و این ارزشها مدیریت اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جامعه اسلامی نیاز به نوعی از مدیریت دارد که با ارزشهای انسانی و دینی و مبانی اخلاقی آن پیوستگی داشته و آرمانهای اسلامی را مورد توجه و عنایت قرار دهد.

مدیریت در جوامع غربی، به ارزشهای انسانی در حد توجه به محصول مدیریت «سود، افزایش قدرت رقابت، کیفیت محصول، افزایش سهم بازار...» عنایت دارد، در حالی که مدیریت با رویکرد اسلامی اعتلای ارزشها و تعالی انسانها را به عنوان هدف مورد توجه قرار می‌دهد.

مدیریت با تفکر اسلامی از دیدگاه محققین مبتنی بر مکتب اسلام بوده و به طور کامل تحت تأثیر آن قرار دارد به گونه‌ای که رعایت شئون اسلامی در این مدیریت اولین وظیفه مدیر محسوب می‌شود. در مدیریت اسلامی توجه به نظام ارزشی اسلام (اخلاق، تقوی، عدالت طلبی، خدمت و امانت بودن مدیریت و...) و حفظ آن اهمیت ویژه‌ای داشته و در اولویت قرار دارد. وظیفه مدیر، در مدیریت اسلامی تنها افزایش تولید نیست و توجه به انسان به عنوان اشرف مخلوقات (که خداوند آسمانها و زمین را مسخر او کرده است) و تعالی وی در اولویت بالاتری از تولید قرار دارد در مدیریت اسلامی مدیریت و هدایت انسانها به سوی کمال وظیفه اصلی قلمداد می‌شود. مدیریت در اسلام امانتی است که باید در نگهداری و رساندن آن به کسی که اهلیت آنرا دارد دقت وافر به خرج داد. در واقع نمی‌توان این مسئولیت را به هر کس سپرد (۱۵).

سازمان در مدیریت مجموعه‌ای از انسانها است که از طریق هم‌افزایی توان آنها (که در مدیریت اسلامی در جهت رسیدن به کمال قرار دارند) در خدمت انسان قرار می‌گیرد. در این رهگذر در یک عرصه رفت و برگشت، افراد با کار جهت یافته خود سازمان را به نتایج دلخواه می‌رسانند و مجموعه سازمان (مدیریت و کارکنان) نیز از باتاب نتایج کار خود، هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی بهره‌مند می‌شوند. در مدیریت اسلامی، مدیر به عنوان الگو و اسوه مطرح است و بر همین مبنا نیز باید رفتار خود را تنظیم نماید. مدیریت در ترکیب با اسلام خصوصیتی می‌یابد که با دیگر ویژگی‌های مدیریت متفاوت است. برای بررسی انطباق‌پذیری دیدگاههای اسلامی بر مفاهیمی چون مدیریت باید به پیشینه و سیر تکوین و رشد آن توجه داشت (۱۷).

### ۲،۲،۱. مزایای تفکر اسلامی در زمینه مدیریت

تفکر اسلامی با منشا الهی معتبرترین تفکر جامع و کاملتر به جهت نظر داشتن برای همه ابعاد زندگی، جسمانی و روحانی، دنیوی و اخروی) و شفافیت به جهت داشتن معیارها و ارزشها و اصول الهی دقیق است. نتیجه تفکر اسلامی یک جهان بینی توحیدی است و به جهان بعد از این جهان نیز معتقد است. بینش کل گرایانه از جهان در اندیشه های اغلب متفکرین اسلامی به گونه ای قوی متجلی است. تفکر اسلامی هم نگاه کل گرا به جهان داشته و هم نگاه جزءگرا و بدین گونه هم به ارتباط بین اجزاء با کل توجه دارد و هم ارتباط اجزاء با یکدیگر. از آنجایی که تفکر اسلامی به زندگی در دنیا نگاه اعتدالی دارد در ارتباط دادن امور به یکدیگر پرهیز دارد و همین امر باعث رفع پیچیدگی مشکلات و ابهامات در حل یک مسئله می گردد. نگاه تفکر اسلامی به جهان هستی نگاهی محدود نبوده چرا که هم به مبدا جهان و حرکت جهان توجه دارد و همچنین در ارتباط با پدیده هانگاهی اعتدالی دارد. مدیریت اسلامی بر مبنای ارزش های الهی اسلام، زمینه های تعالی انسان را فراهم می آورد. بدیهی است که در مدیریت از منظر اسلام، مسائل اخلاقی - ارزشی اهمیتی بیش از کسب هدف تولید دارند و در الویت بالاتری قرار گرفته اند. از دید اسلام، ارزشها از کیفیت رابطه رفتار انسان با هدف نهایی او باشد (۱۷). از منظر اسلام، ارزشها از کیفیت رابطه رفتار انسان با هدف نهایی به دست میآید، یعنی عملی ارزش حقیقی دارد کخ در راستای هدف نهایی او باشد (۱۷).

### ۲،۲،۲. موانع تفکر اسلامی در زمینه مدیریت

- با توجه به این که مدیریت اسلامی، در واقع رویکردی نو و تازه از مدیریت در جامعه است. به نظر می رسد مانند هر پدیده نو و تازه در جامعه برای رواج یافتن با موانعی رو در رو باشد. از جمله این موانع می توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. سیطره و نفوذ رویکرد غربی در جامعه، خود باختگی دانشمندان، دانشجویان در برابر رویکرد مدیریت غربی در حدی که به رویکرد اسلامی مدیریت اجازه نشو نما نمی دهد.
  ۲. عدم آشنایی مدیران و مردم با قابلیت های مدیریت اسلامی و بی اعتقادی به کاربردی کردن آن
  ۳. عدم ایجاد تمایز میان تکنیک های مدیریتی و رویکردهای انسانی در مدیریت (مدیریت غربی تکنیک های مدیریتی است که تا حدود زیادی قابلیت اجرا در مدیریت اسلامی را نیز دارد)
  ۴. نبود تعریف و معیار و محدوده مشخصی از مدیریت اسلامی
  ۵. نبود و یا محدودیت زمینه های نظری در مورد مدیریت اسلامی در سطح سازمان
  ۶. وجود ابهام در معنا و مفهوم مدیریت اسلامی
  ۷. نبود نگاهی راهبردی به مقوله مدیریت اسلامی و استفاده از آن در سطح سازمان
  ۸. بی توجهی به انجام تحقیقات متفاوت در خصوص مدیریت اسلامی
  ۹. موانع روانی پذیرش دیدگاه های تازه

## ۲،۳. مقایسه تفکر سیستمی و تفکر اسلامی

| تفکر سیستمی              | تفکر اسلامی                          | وسعت تفکر        |
|--------------------------|--------------------------------------|------------------|
| مشاهده                   | قرآن، سنت، عقل، اجماع                | منبع             |
| محدود و دنیوی            | دنیوی و اخروی                        | دامنه            |
| توجه به روابط            | توجه به مبدا، روابط و نتایج پدیده ها | نگرش به پدیده ها |
| توجه به علت و معلول علمی | توجه به استدلالهای علمی و حیاتی      | استدلال          |
| جهان بینی مادی           | جهان بینی توحیدی                     | جهان شناسی       |
| تجربی                    | الهی                                 | منشا             |
| هدفمند در دنیای مادی     | قرب الهی                             | هدف مدیریتی      |

## ۳. نتیجه گیری

تفکر اسلامی با سرچشمه گرفتن از قرآن کریم، سنت پیامبر(ص) و سیره معصومین(ع) در مدیریت معنوی و فرا ذهنی بوده و در ضمن معرفی ابزار و روشهای مدیریتی در واقعیت قابلیت عمل داشته و به صورت تعاملی به ارتباط بین امور و پدیده ها توجه می نماید. این تفکر می تواند نقایص نگرش سیستمی را به عنوان یکی از کارآمدترین نگرشها در زمینه مدیریت سازمان ها تعالی بخشد.

## پیشنهادات

- جهت حل مسایل مدیریتی به مبدا اندیشه های اسلامی که همان وحی است، وارزش علمی، عقلی و عینی دارد توجه ویژه گردد.
- داشتن نگاه اعتدالی و جامع جهت روابط امور و پدیده ها، جهت کاهش مشکلات، معضلات، ابهامات و پیچیدگی ها.
- انتخاب روش مدیریتی برمبنای تفکر اسلامی
- مدیران باید در جامعه به ارزش های مطلق و ثابت الهی در جامعه اسلامی اشراف کامل داشته و در اعمال مدیریت از آن ارزشها تعدی ننمایند. در جهت توسعه سازمان ها تفکرات و تئوری های مدیریتی را تا آنجا که با ارزشهای اسلامی منافاتی ندارد، استفاده نمایند.

## منابع

- عسگریان مصطفی (۱۳۷۰). *مدیریت اسلامی*، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- تفوی دامغانی سیدرضا (۱۳۷۸). *نگرشی بر مدیریت اسلامی*، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۴). *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه: گنابادی، م. پ. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هریس، ریچارد (۱۳۸۹). *هنر برنامه ریزی کوانتومی*، ترجمه: بینش، م و مهذب، س، تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران
- بینش، مسعود (۱۳۸۷). *فکر بهبود*، تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- مختاری، قاسم (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر تفکر سیستمی*، ویرایش پنجم. تهران
- کالینز، جیم (۱۳۸۶). *از خوب به عالی*، ترجمه: سپهرپور، ن، تهران: پیک آوین.
- سنگه، پیتر (۱۳۷۵). *رقص تغییر*، ترجمه: مشایخی، ع و همکاران، تهران: آریانا.
- سنگه، پیتر (۱۳۸۳). *پنجمین فرمان*، ترجمه: کمال هدایت، ح و روشن، م، تهران: آریانا.
- قراچه داغی، جمشید (۱۳۸۹). *روش شناسی سیستم‌ها*، ترجمه: سلطانی و حقیقت ثابت.
- علاقه بند، علی (۱۳۹۰). *مقدمات مدیریت آموزشی*، تهران: آرسباران.
- نیاز آذری، کیومرث، تقوایی یزدی مریم و نیاز آذری، مرضیه (۱۳۸۹). *نظریه های سازمان و مدیریت در هزاره سوم*، سوم، تهران: مهرالبین.
- فروزنده دهکردی، لطف الله و جوکار، علی اکبر (۱۳۸۶). *مدیریت اسلامی و الگوهای آن*، تهران: دانشگاه پیام نور
- فروزنده دهکردی، لطف الله و ملایی، الهه (۱۳۸۸). *بررسی نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب*، راهبردیاس، شماره ۱۷، صص ۱۶۶-۱۸۷
- چاوشی، سید کاظم (۱۳۸۸). *بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی*، فصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته ای قرآنی، سال اول، شماره دوم، صص ۵۳-۴۰.
- مطیعی فر، محمد (۱۳۸۶). *نگرش سیستمی و نقش آن در مدیریت سازمان ها در هزاره سوم*، ماهنامه روش، شماره ۱۱۰، صص ۲۶-۱۴.
- معصومی مهر، حمیدرضا، عابدی جعفری، حسن و فروزنده دهکردی، لطف الله (۱۳۹۰). *طراحی و تدوین الگوی شناخت موانع تحقق مدیریت اسلامی در سازمان ها*، دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۱۹ شماره ۱، صص ۱۴۰-۱۰۲.

- Gharajedaghi, (2011). *system thinking; managing chaos and complexity*, 3rd. ed. MK.

-Howard Gardner (2009). "Five minds for the future", Harvard Business School Press.